خبر

امکان برگزاری انتخابات ۱۴۰۰ در شرایط کرونایی وجود دارد؟

● **شرق:** چند ماه دیگر زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری است و طبق پیش‌بینی‌ها، خبری از پایان کرونا نیست و همین امر سبب نگرانی‌ها درباره برگزاری انتخابات شده است. در کشور آمریکا که درگیر انتخابات ۲۰۲۰ بود، روش رأی‌دادن پستی به کمک برگزارکنندگان انتخابات آمد؛ اما در ایران برای شرایط بحرانی این‌چنین قانون جایگزینی وجود ندارد. هرچند بحث انتخابات الکترونیک مطرح شده اما مسئله این است که نه قانون آن تصویب شده، نه شورای نگهبان موافقت خود را اعلام کرده و نه بستر انجام چنین کاری تاکنون فراهم شده است.

ازاین‌رو عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی گفت: باید تدابیر لازم نسبت به برگزاری انتخابات در شرایط کرونایی اندیشیده شود. شهریار حیدری به لزوم تمهیداتی برای روند اجرائی انتخابات ریاست‌جمهوری در شرایط کرونایی اشاره کرد و گفت: درحال‌حاضر فاصله زمانی چندماهه‌ای تا برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری وجود دارد و براساس پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته تا اردیبهشت سال جاری، واکسن کرونا ساخته می‌شود و اگر چنین اتفاقی صورت بپذیرد، در یک شرایط مناسب انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار می‌شود؛ اما اگر شیوع کرونا به همین شکل در سطح جامعه استمرار داشته باشد، باید یک تصمیم حاکمیتی در این رابطه گرفته شود. نماینده مردم گیلانغرب، سرپل‌ذهاب و قصرشیرین در مجلس شورای اسلامی افزود: باید انتخابات ریاست‌جمهوری در تاریخ مقرر برگزار شود و اگر بخواهد خارج از این روند باشد، باید قانون اصلاح شود. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: باید دولت و حاکمیت به اقتضائات برگزاری انتخابات در شرایط کرونایی ورود کنند تا مشخص شود به چه شکلی انتخابات‌ها در سال ۱۴۰۰ برگزار می‌شود، اگرچه درحال‌حاضر برای ورودکردن به این موضوعات زود است، اما باید تصمیمی دراین‌باره نیز اتخاذ شود.

پیش از این جمال عرف، معاون سیاسی وزیر کشور، درباره تمهیدات وزارت کشور برای برگزاری انتخابات ۱۴۰۰ متناسب با شرایط کرونایی، گفت: تجربه نخستین ما دراین‌باره مربوط به اسفند ۹۸ است که در آن مقطع به مسئولان وزارت بهداشت اعلام کردیم هر نوع شیوه‌نامه‌ای را که ارائه کنند، مبنا قرار می‌دهیم که طبق شیوه‌نامه‌های آن دوره اقدام کردیم. وی افزود: تجربه دیگر مربوط به مرحله دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی است که قرار بود ۲۹ فروردین امسال برگزار شود، اما به شهریور موکول شد که طبق شیوه‌نامه‌های بهداشتی اقدام کردیم و برای انتخابات ۱۴۰۰ نیز قطعا همین رویه را در پیش می‌گیریم. معاون سیاسی وزیر کشور، یکی از پیشنهادهای این وزارتخانه را برای انتخابات ۱۴۰۰، اعمال کل فرایند الکترونیکی‌شدن انتخابات دانست. عرف گفت: در انتخابات گذشته، جز یک مرحله که مربوط به صندوق رأی است، باقی ۲۴ مرحله، الکترونیکی برگزار شد که درباره یک مرحله باقی‌مانده نیز با اعضای شورای نگهبان رایزنی کردیم، زیرا آقایان در آن شورا پرسش‌هایی از نظر فنی دراین‌باره دارند که باید به آن پاسخ دهیم. وی تأکید کرد: احتمالا این موضوع باید در همین ماه مشخص شود، زیرا در نهایت باید به سمت تولید صندوق‌های الکترونیک برویم؛ البته برای ساخت تعداد زیادی از این صندوق‌ها زمان خواهیم داشت. رئیس ستاد انتخابات افزود: پس از اعلام نظر شورای نگهبان، یا وارد فرایند کلی انتخابات الکترونیک می‌شویم یعنی ۲۵ مرحله، الکترونیکی می‌شود یا مانند انتخابات گذشته ۲۴ مرحله از این فرایند الکترونیکی خواهد بود و رأی‌گیری مانند قبل دستی انجام خواهد شد.

براساس اظهارات کدخدایی، شورای نگهبان هنوز نتوانسته است با مسئولان وزارت کشور به یک مرحله مشخصی برسد که این اطمینان از جهت تضمین امنیت آرا ایجاد شود و اگر این اطمینان برای آنان پدید آید که امکان مخدوش‌شدن آرا به حداقل می‌رسد، قطعا شورای نگهبان آمادگی برگزاری انتخابات الکترونیکی را خواهد داشت. دراین‌باره عضو هیئت‌رئیسه مجلس نیز گفته است: یکی از راه‌های مناسب برگزاری انتخابات، الکترونیکی‌شدن آن است، اما باید ملزومات و اطمینان‌های لازم برای اجراشدن آن در نظر گرفته شود. از همین حالا تا موعد انتخابات فرصت مناسبی وجود دارد که تدابیر لازم درباره آن اندیشیده شود. روح‌الله متفکرآزاد افزود: اگر وزارت کشور بتواند دغدغه‌ها و نگرانی‌های شورای نگهبان را درباره برگزاری صحیح روند انتخابات الکترونیکی رفع کند، دیگر مانع و نگرانی جدی برای برگزاری انتخابات الکترونیکی وجود نخواهد داشت. وزارت کشور باید امنیت فضای انتخابات الکترونیکی را تأمین کند و باگ‌های امنیتی آن را در نظر داشته باشد تا امکان نفوذ در شبکه مسدود شود؛ دراین‌صورت می‌توان روی برگزاری الکترونیکی انتخابات حساب ویژه‌ای باز کرد.

گفت‌وگو با اصغر جمالی‌فرد ملقب به ابوحنیف

اطلاعات محمد منتظری از امیرانتظام از کجا آمد؟

امیرحسین جعفری: انقلاب ایران سرشار از روایات مختلف از وقایعی است که در آن انسان‌ها از خدمت تا خیانت تغییر ماهیت می‌دهند. تضاد ایدئولوژیک میان طیف‌های سیاسی در برخورد با انقلاب و روند حذفی میان آنها تا سال‌ها پس از انقلاب نیز ادامه یافت و هنوز هم شاهد این برخوردها هستیم. محمد منتظری و دسته همراه او، پیش از انقلاب قصه‌های فراوانی در دل خود دارند که متأسفانه با تعبیرهای شخصی فقط یک بُعد انقلابی و اغلب تندرو آنها بررسی شده است؛ اما این طیف از افراد ابعاد شخصیتی و فکری دیگری نیز دارند که نیاز به بازتعریف جدی برای نسل جدید دارد. دراین‌باره با اصغر جمالی‌فرد ملقب به ابوحنیف از یاران محمد منتظری گفت‌وگو کردیم.

مبارزه را پیش از انقلاب از چه زمانی و با چه گروهی آغاز کردید؟

قبل از انقلاب گروه‌های اسلامی و غیراسلامی فعالیت می‌کردند. محمد منتظری در بهار ۱۳۵۰ ایران را از طریق پاکستان ترک کرد و به لبنان رفت. من هم در شهریور ۵۰ به آلمان برای تحصیل رفتم و با گروه‌های مختلف آشنا شدم و انجمن‌های اسلامی را که ابتکار شهید بهشتی بود، پذیرفتم. فعالیت من بیشتر فرهنگی بود تا جنبش ظفار که انجام شد، تایپ مطالبش برعهده من بود. من تحت تأثیر ظفار قرار گرفتم و تصمیم گرفتم به برادران ظفار بپیوندم. در آلمان بودم که یک بار در سال ۱۳۵۳ امام موسی صدر پیش صادق طباطبایی آمد و سخنرانی در مسجد بلال شهر آخن انجام داد و گفت انقلابی در آفریقا به نام انقلاب قذافی انجام گرفته و از او تمجید کرد و او را به‌عنوان یک حاکم اسلامی در آفریقا معرفی کرد. موقعی که من تصمیم گرفتم به ظفار بروم، چمران به کلن آمد و متوجه شد من می‌خواهم به ظفار بروم. گفت آنجا نیروهای کمونیست هستند؛ ولی در لبنان شیعه‌ها علیه مارونی‌ها مبارزه می‌کنند و آن جبهه واجب‌تر است و مسیرم را در ۱۳۵۴ به سمت لبنان تغییر دادم. وقتی مواضع امام موسی صدر مشخص شد، در کنار محمد منتظری ایستادم.

چه گروه‌هایی در فتح با شما بودند؟

گروه‌های مختلف از چریک‌های فدایی خلق تا سازمان مجاهدین و بچه‌های مسلمان؛ ولی هر گروهی یک نوبت مشخص داشت و با هم قرار نمی‌گرفتند. من در ابتدا با فتح همکاری نداشتم و آموزش‌مان با آنها بود.

با دکتر چمران چگونه آشنا شدید؟ با امام موسی صدر هم همکاری داشتید؟

چمران را در سفرش به آلمان شناختم که به منزل من آمد. او در مسجد هنگام سخنرانی شعر شمس تبریزی را خواند: بمیرید، بمیرید، در این عشق بمیرید... و سپس شروع به تحلیل شرایط لبنان کرد. پس از آن همراه یکی از اقوام مصطفی شاه‌حسینی به آنکارا رفتم و با قطار به دمشق رسیدم و بعد از یک هفته به سمت بیروت و جنوب لبنان رفتم و در صور دکتر چمران را ملاقات کردم و همراه هم در دفتر امل مستقر شدیم که برای آموزش‌های نظامی به اردوگاه بعلبک در کنار برادران فلسطینی رفتم. بعد از پایان دوره پارتیزانی مجددا به شیاح برگشتم و عملیات‌ها را شروع کردیم. در آموزش‌ها محمدصالح قائم‌مقامی خیلی کمک می‌کرد. دکتر چمران در آبان ۱۳۵۱ به همراه امام موسی صدر، شیخ خلیل یاسین، شیخ قبلان و سلیمان یحفوفی وارد شوروی می‌شود. هدف این سفر آنها جلب حمایت شوروی از نظر مادی و معنوی برای جبهه امل بود و همکاری‌هایی وجود داشت؛ البته آقای صدر به گفته ابراهیم یزدی می‌گفت شیعیان لبنان محروم در وطن هستند؛ درحالی‌که فلسطینی‌ها محروم از وطن هستند. با موسی صدر در مراسم دکتر شریعتی هم اختلاف داشتیم.

اختلاف بر سر مراسم دکتر شریعتی چه بود؟

تیرماه ۵۶ در بیروت نزد دکتر ضرابی بودم که خبر فوت شریعتی رسید و با چمران به فرودگاه رفتیم تا تدارکات تحویل جنازه را انجام دهیم و به دمشق رفتیم و به همراه امام موسی صدر مراسم بزرگی برگزار کردیم و جنازه شریعتی به قبرستان زینبیه سپرده شد. امام نیز در پیام تسلیتی که نوشتند چهار ایراد به شریعتی گرفته بودند. وقتی پیام امام را به جلسه بردم، خیلی‌ها خوش‌شان نیامد. امام در نامه به یزدی نوشته بود مرگ فرد مهم نیست، مرگ جامعه مهم است که یزدی گفت ما در خارج تلاش کردیم مرگ شریعتی را شهادت جلوه دهیم و امام اهمیتی نداده است. برای مراسم چهلم دکتر شریعتی قطب‌زاده و محمد منتظری سازمان امل را واداشتند تا مراسمی برگزار شود. در مرداد ۵۶ این مراسم با سخنرانی یاسر عرفات، موسی صدر، منیر شفیق و قطب‌زاده انجام شد. عده‌ای نیز ازجمله جلال‌الدین فارسی و حمید روحانی به دلیل اختلاف با جنبش امل در این مراسم شرکت نکردند. در این مراسم محمد منتظری، غرضی، خانم دباغ، ناصر آلادپوش، مرتضی شجاعی و من عکس‌های امام و آیت‌الله طالقانی را که هنوز در زندان بود، در مراسم پخش و نصب کردیم.

با محمد منتظری چگونه آشنا شدید؟ نام ابوحنیف را چرا انتخاب کردید؟

یک روز در مجلس شیعه اعلا بودم. چمران گفت یک افغان می‌خواهد تو را ببیند. من نیز خودم را به‌عنوان یک افغان به او معرفی کردم و بعد از چند روز فهمیدم او محمد منتظری است. ما ناچار بودیم با اسم مستعار فعالیت کنیم و این سنت فلسطینی‌ها بود. شهید ضامن مدرب طبق سنت اسلامی کنیه ابوحنیف را برایم پیشنهاد داد. در لبنان مجاهدین که می‌آمدند، اسم‌هایی مثل چگوارا و لنین و... به روی خود می‌گذاشتند. ملی‌گراها هم خود را کوروش و داریوش صدا می‌کردند. فلسطینی‌ها و مذهبی‌ها از نام‌های اسلامی استفاده می‌کردند؛ مثلا ابوتراب، ابوشریف و من چون مجرد بودم، این اسم را بر من گذاشتند؛ یعنی پدر پاک.

رابطه محمد منتظری با لیبی چگونه بود؟

طبیعی بود وقتی مبارزان در لبنان حضور پیدا کردند، باید با یک‌سری کشورهای انقلابی رابطه برقرار می‌کردند. از کشورهای انقلابی لیبی و سوریه بودند. محمد منتظری و جلال‌الدین فارسی گرایش‌شان به لیبی بیشتر بود و قذافی معتقد بود باید به جنبش‌های جهانی کمک کنیم. ازجمله فیلیپین، فتانی و ایران خاطرم هست زمانی که امام موسی صدر به آلمان می‌رود و طباطبایی می‌گوید به پیش قذافی برویم و خواسته‌های‌مان را مطرح کنیم و خواسته ما گرفتن یک ایستگاه رادیویی در طرابلس و بنغازی است. البته نهضت آزادی می‌خواهد بگوید محمد منتظری عامل لیبی بود. من به‌عنوان کسی که همیشه کنار او بود، می‌گویم محمد به‌هیچ‌عنوان پول و اسلحه از لیبی نگرفت. بعد از انقلاب هم اگر کمکی از لیبی می‌رسید، برای شخص محمد نبود و در راستای خط‌مشی حمایت از کشورهای انقلابی قذافی بود. محمد یک بار هم در سال ۵۶ به همراه خانم دباغ، غرضی و سه نفر دیگر به سفر حج می‌رود تا اعلامیه‌هایی در مخالفت با شاه پخش کند. من نیز خود را به‌سختی از طریق یک عرب اهل حجاز و از مرز کویت به ریاض و مکه رساندم. در آن هنگام آقای صدر نیز به دعوت ملک خالد به مکه آمد و سخنرانی در رادیو ریاض انجام داد. بعد از آن سفر تعدادی از دوستان به بیت امام رفتند و گفته بودند ما ۱۴ بار رمی جمرات کردیم! امام فرمودند هفت بار کافی بود، آنان گفتند هفت بار به سوی شیطان زدیم و هفت بار هم به تصویر شاه ملعون زدیم. در این هنگام لبخندی بر لبان امام مشاهده شد.

چرا گروه محمد دچار انشعاب شد؟

بعد از سفر مکه رابطه محمد با غرضی و خانم دباغ شکراب شد و همراه علی جنتی، ناصر آلادپوش و چند نفر دیگر منزل محمد را ترک کرده و علیه او شایعه‌پراکنی کردند. محمد نیز ناچار به فعالیت در کویت شد. من نیز با گروه غرضی همکاری نکردم و به آلمان برگشتم تا جزوه مواد منفجره را که در دوران آموزش یاد گرفته بودم، تکمیل و منتشر کنم.

در پاریس همراه امام بودید؟

هنگامی که امام وارد کشان فرانسه شد، محمد منتظری هم به جمع یاران امام پیوست و سخنان ایشان را از روز اول ضبط و منتشر می‌کرد. یزدی به محمد می‌گفت این کار را انجام نده. محمد نیز با وجود توصیه یزدی این کار را انجام می‌داد و سخنان امام (ره) را به کشورهای عربی مخابره می‌کرد. یادم هست محمد می‌گفت در نوفل لوشاتو آقای بازرگان و سحابی خدمت امام رسیدند. امام به سحابی گفت شما باید در روزنامه‌های فرانسوی موضع خود را درباره شاه مشخص کنید که همین‌طور هم شد. در آن زمان حسن روحانی هم به نوفل لوشاتو آمد. البته در خاطراتش تناقضاتی درباره حضورش در آنجا با اطلاعات من وجود دارد. در دی ۵۷ هم آیت‌الله منتظری با ظاهری ساده و مردمی به فرانسه آمد که مورد استقبال همگان قرار گرفت و بعد از آن همراه محمد از طریق مرز لبنان، سوریه و عراق با پاسپورت بحرینی وارد ایران شد. محمد منتظری شناخت و تیزهوشی زیادی درباره جریان‌های سیاسی داشت. در آن ایام من در آلمان بودم، حبیب‌الله پیمان، همسرش و خلیل رضایی نیز در کلن بودند که وقتی خبر بازگشت امام به ایران مطرح شد، در جلسه‌ای که پیمان هم در آن حضور داشت، او گفت در دوم بهمن به پاریس خواهد رفت. با او قرار گذاشتم که با یکدیگر برویم؛ اما نیامد و تنهایی به سفرم ادامه دادم که در مرز بلژیک دستگیر و به آلمان عودت داده شدم و تا دوم اسفند ۵۷ در زندان بودم. قبل از سفر به پاریس در آلمان هادی غفاری هم به ما پیوست که برای او پاسپورت درست کردیم. خاطرم هست یک بار در وسط فرودگاه عبایش را به زمین انداخت و شروع به نمازخواندن کرد. او شخصیتی انقلابی بود.

بعد از انقلاب و بازگشت به ایران در کدام ارگان فعالیت کردید؟

پس از انقلاب محمد منتظری و دوستان برای حفظ و حراست اموال عمومی و اسلحه‌ها، کمیته‌ای تشکیل دادند و کارت‌های حمل سلاح صادر شد. از طرفی محمد نگران توطئه‌های ضدانقلاب و در فکر صدور انقلاب بود که به فکر تأسیس سپاه پاسداران افتاد تا این سپاه بتواند بازوی توانای انقلاب باشد و این طرح را با آیت‌الله مطهری در میان گذاشت. محمد به من پیشنهاد همکاری در سپاه تازه‌تأسیس پاسا را داد که در کنار او بودم. در آن هنگام محمد کنترل شهربانی در خیابان شهرآرا را بر عهده می‌گیرد و از یاسر عرفات می‌خواهد برای آموزش نیروها، تعدادی از چریک‌های فتح عازم ایران شوند که با محمد منتظری و نامجو به دانشگاه افسری رفتیم و مقرر شد نیروها آموزش ببینند. پس از آن دولت موقت کارشکنی‌هایی در مسیر محمد انجام داد. البته شهید چمران نیز در سعدآباد مشغول نیروهایی از سپاه بود. جلال‌الدین فارسی نیز در ۲۴ فروردین ۵۷ در جنوب میدان ۱۷ شهریور سخنرانی‌ای تحت عنوان انترناسیونالیسم اسلامی انجام داد و سیاست‌های نهضت آزادی را نقد کرد. محمد منتظری از نگرانی شرایط، برای اینکه نخوابد قرص می‌خورد؛ فارسی با چمران زاویه داشت و می‌گفت: همین چمران کل دنیا را گشت، حتی با امام موسی صدر به مسکو رفت و به قبر لنین گل هدیه داد، اما حاضر نشد بیاید نجف و یک عرض ادبی به امام بکند. در هر حال عزت نفس چمران ستودنی است؛ چمران بهترین دانشگاه آمریکا را به خاطر هدفی والا رها کرد. پیام حضرت امام خمینی نیز حاکی از علاقه ایشان به این مجاهد الهی است، اما این خصایص مثبت نباید باعث آن شود که ما دیگر روایت‌ها را نشنویم و چشم و گوش خود را روی روایت‌های متفاوت ببندیم.

داستان تسخیر فرودگاه مهرآباد به دست محمد منتظری چیست؟

اینکه گفته می‌شود محمد از اول انقلاب به شکل غیرقانونی لیبیایی‌ها را به ایران می‌آورد، دروغ است. کریم سنجابی در اواسط فروردین ۵۸ از دولت لیبی برای دیدار دعوت به عمل آورد و جلود در چهار اردیبهشت با هیئتی وارد تهران شد. این در زمانی بود که کریم سنجابی از وزارت خارجه استعفا داده بود و یزدی به‌عنوان سرپرست وزارت خارجه با این کار مخالفت کرد و به سعد مجبر، سفیر لیبی، می‌گوید به جلود بگو سفرش را به تعویق بیندازد. سعد مجبر به محمد مراجعه می‌کند، محمد برایم تعریف کرد که به او گفته بود یزدی اشتباه کرده است. چرا سالیوان این‌قدر فعالیت دارد؟ چرا هواپیماهایی که از آمریکا می‌آیند، بدون تجسس فرودگاه را ترک می‌کنند؟ و به برادر حلیم می‌گوید کنسولگری فلسطین در اهواز را ببندد؟ در هر حال، با وجود تمام مسائل، هیئت لیبیایی در ساعت سه روز چهارم اردیبهشت وارد ایران شد و برخلاف عرف بین‌المللی که وزارت خارجه باید به استقبال برود، در این مورد سپاه پاسداران به استقبال جلود در فرودگاه رفت. گویا اعضای وزارت خارجه به همراه شهید چمران هواپیما را محاصره می‌کنند و مانع خروج دیگر نیروهای لیبی از هواپیما می‌شوند و می‌گویند جلود با هلیکوپتر به قم به دیدار امام برود و از همان‌جا به فرودگاه برگردد تا ایران را ترک کند. ابوشریف، محسن رفیق‌دوست، سیدحسین خمینی و محمد صالح‌حسینی به استقبال جلود می‌روند و جلود ۱۱ روز در قم می‌ماند و بعد به دفتر بازرگان می‌رود که در این زمان در مشهد تظاهراتی علیه قذافی با تحریک نهضت آزادی انجام شد. من در ۱۰، ۱۲ روزی که جلود در ایران بود، با او بودم. محمد در این سفر به‌عنوان مترجم و راهنما همراه تیم لیبیایی بود. در نهایت عبدالسلام جلود در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸ برای خروج از ایران به مهرآباد رفت. زمانی که جلود می‌خواست برود، عده‌ای آرپی‌جی به‌دست دور فرودگاه را محاصره کرده بودند و می‌خواستند هواپیما را بزنند. بنده به‌عنوان فرمانده سپاه، نیروهایی از گارد جاویدانی را که پیوسته بودند به سپاه آوردم که بدرقه‌شان کنیم. اینجا احساسات بر من غلبه کرد. بعد که دیدم چنین وضعیتی وجود دارد، همان موقع نزد آقای سعد مجبر، سفیر لیبی در ایران رفتم و گفتم من از این کارهایی که در اینجا انجام گرفته، خسته شده‌ام و می‌خواهم چند وقتی در لیبی استراحت کنم؛ بعد هم با همان لباس نظامی همراه با ابوشریف و جلود سوار هواپیما شدیم و بدون پاسپورت با همین هواپیما به لیبی رفتم. برای اولین‌بار ۱۰ روز میهمان لیبی بودم و آنجا با قذافی و مسئولان دولت لیبی آشنا شدم. بعدها هنگام بازگشت به ایران در فرودگاه مهرآباد به اتهام نداشتن ویزای ورودی دستگیر و پس از دو ساعت آزاد شدم. آن هنگام عبدالجواد روشن سراغم آمد و به دفتر محمد در جبهه آزادی‌بخش مورو رفتیم که محمد گفت قصد دارد نشریه‌ای به نام ساتجا (سازمان انقلابی توده‌های جمهوری اسلامی) راه بیندازد. قول همکاری دادم و همان‌جا لگوی شهید را طراحی کردم و با همکاری روزنامه اطلاعات، نشریه پیام شهید را منتشر کردیم. یک ماه بعد در خرداد ۵۸ دولت لیبی به مناسبت نابودی پایگاه آمریکایی‌ها در طرابلس حزب جمهوری اسلامی و سپاه را برای سفر به لیبی دعوت می‌کند که محمد ۵۵۰ نفر را برای این سفر آماده می‌کند اما عباس امیرانتظام مانع این سفر می‌شود و آن گروه در فرودگاه تحصن می‌کند و محمد نامه‌ای به قذافی و وزارت خارجه دولت موقت می‌نویسد.

داستان سفر محمد منتظری به لیبی در سال ۵۸ چه بود؟

در تیر ۵۸ بود که با محمد در حال تحلیل شرایط داخل بودیم؛ گفت پیش از انقلاب ما هر زمان که اراده می‌کردیم به هرکجا می‌رفتیم، از لبنان تا سوریه و اروپا و... و اعتصاب غذا و تظاهرات و سفر حج و... حالا چه شده است که در ایران نمی‌توان در راستای انقلاب قدم برداشت و حالا از سفر انقلابیون ممانعت می‌شود و هرگوشه از کشور توطئه می‌کنند و مستشاران آمریکایی و بازمانده‌های شاه رافراری می‌دهند؛ بهتر است برای تشکر از کشورهای انقلابی و صدور و معرفی بهتر انقلاب و ایجاد پیوندهای برادرانه به این کشورها سفر کنیم و به من گفت مقدمات سفر را فراهم کن. آن زمان پرواز مستقیم به لیبی نبود و باید از کشورهای اروپایی به آنجا می‌رفتیم. از طرفی خروج از کشور باید با مجوز دولت موقت انجام می‌شد. محمد دارای پاسپورت بحرینی بود و بقیه پاسپورت ایرانی داشتیم که اداره گذرنامه نیز موافقت کرد اما هنگام پرواز از خروج من و محمد ممانعت به عمل آمد و دیدم مأمور فرودگاه سیلی بر صورت یکی از همراهان ما زد. من نیز پاسداران را صدا کردم و نگذاشتیم هیچ پروازی بلند شود تا مشکل ما را حل کنند. درهمین‌حال ۱۰ نفر از پاسداران پاسا به فرودگاه آمدند و نگذاشتند خارج شویم که آن لحظه یکی از وابستگان دربار را که در حال فرار بود، شناسایی و تحویل سپاه ابوشریف دادیم؛ البته در روز بعد با حضور نمایندگان دولت و ابوشریف پرواز کردیم که آن‌موقع نیز عوامل نهضت آزادی جلوی خروج من را گرفتند ولی بعد از مشاجره‌ای من نیز سوار شدم. در آغاز سفر به سوریه و به دیدار حافظ اسد رفتیم و بعد از آن برای دیدار جلود و مسئولان لیبی به آنجا سفر کردیم و در هنگامی که ما در ایران نبودیم، یزدی در مصاحبه‌ای می‌گوید محمد منتظری و اصغر جمالی‌فرد به فرودگاه حمله کردند! و یک فلسطینی به نام ابوحنیف نیز با آنها بوده است! امیرانتظام نیز بدون هیچ‌گونه سندی می‌گوید محمد منتظری قصد خروج هشت چمدان عتیقه‌جات از ایران را داشت، درحالی‌که مأموران فرودگاه چمدان‌های ما را گشتند و دیدند که چیزی در آن نیست.

پیام شهید چگونه شکل گرفت؟

محمد در متن مسائل انقلاب بود و از برخوردهای نهضت آزادی و شرایط کشور نگرانی داشت، نرسیدن به وضعیت ارتش، اخلال در کار سپهبد قرنی، تخلیه پادگان‌های مرزی به‌خصوص در کردستان، لغو قراردادهای نظامی که پول آنها پرداخت شده بود، فراری‌دادن نیروهای وابسته به شاه، دزدیدن اسناد و... از شکایت‌های محمد بود. در این شرایط در مردادماه ۱۳۵۸ روزنامه پیام شهید را منتشر کردیم که ۱۸ شماره چاپ شد و توسط آذری‌قمی متوقف شد. پس از توقف چاپ پیام شهید همراه محمد برای شرکت در جشن انقلاب لیبی همراه ۶۰ نفر دیگر عازم لیبی بودیم که دادستانی از خروج محمد جلوگیری کرد که صدر حاج‌سیدجوادی پشت این کار بود و نامه‌اش موجود است؛ آنها می‌گفتند محمد نباید نشریات و عکس‌های همراهش را از ایران خارج کند، محمد می‌گفت من ممنوع‌الخروج هستم ولی بختیار و متین‌دفتری به‌راحتی از کشور خارج می‌شوند البته ما فردای آن روز به لیبی رفتیم و قذافی در حضور حافظ اسد، یاسر عرفات و رؤسای جمهور کشورهای آفریقایی از محمد به‌عنوان اولین سخنرانی درخواست کرد صحبت کند، بعد قذافی پشت تریبون رفت و از امام با عنوان رهبر بزرگ جهان اسلام تجلیل کرد. پس از بازگشت از لیبی من و محمد در ۲۴ شهریور توسط مأمورانی به نام کمیته با حکم باطل‌شده آذری‌قمی دستگیر شدیم که من کارت شناسایی مأمور و حکم باطل‌شده را از او گرفتم. در این هنگام عبدالله روشن و مرتضی اقطاعی که محافظان ما بودند، وارد شدند و ما را از آنجا خارج کردند.

ورود محمد منتظری به پرونده امیرانتظام از چه قرار بود؟

ما مستقیما با او برخوردی نداشتیم و فقط در دادگاه بودیم و می‌دیدیم که از او سؤال‌وجواب می‌کردند. آدم جنتلمن و غرب‌گرایی بود. خیلی دوست داشتم با امیرانتظام صحبتی کنم. در اولین جلسه دادگاه امیرانتظام که بازرگان آمد، من حضور نداشتم ولی از جلسه دوم که در اوین تشکیل شد و آیت‌الله محمدی‌گیلانی او را محاکمه کرد، تقریبا هر روز آنجا بودم. محمد منتظری در جلسه پنجم شرکت کرد و خاطرم هست قبل از اینکه عباس امیرانتظام را به دادگاه بیاورند، به آقای محمدی‌گیلانی گفتم: اسم قبلی امیرانتظام، روافیان بوده. موقعی که امیرانتظام آمد، آقای گیلانی پرسید: اسم دیگری داشتید؟ جواب داد: بله، اسمم روافیان بود و محمد منتظری شروع به افشاگری کرد. آیت اطلاعات مهمی داشت که آنها را در اختیار محمد می‌گذاشت. درواقع پیشینه جریان موسوم به ملی، دست آیت بود. امیرانتظام هم در ممانعت دولت بازرگان از رفتن ما به لیبی دست داشت و آیت او را همان روز در سخنرانی‌اش اعلام کرد؛ البته در دادگاه او حضور پیدا نکرد ولی اطلاعات زیادی را در اختیار محمد منتظری گذاشت.

ادامه در صفحه ۳

روزنه

روحانی:

عرصه مقابله با کرونا را به میدان کشمکش سیاسی تبدیل نکنید

● **ایسنا:** رئیس‌جمهوری در جلسه بررسی نهایی دستورالعمل‌های «طرح جامع اعمال محدودیت‌های پویا در مقابله با کرونا» که با اجرای آن از روز شنبه هفته آینده، محدودیت‌های شدید در شهرهای مختلف کشور به اجرا گذاشته می‌شود، گفت: تمام دستورالعمل‌ها درخصوص اجرای این طرح برای شهرهای در وضعیت قرمز، نارنجی و زرد، باید به روشنی و دقیق، تا صبح چهارشنبه به اطلاع مردم برسد و به مراکزی که باید ابلاغ شود، اقدام شود. همچنین ضروری است به تمامی مشاغل، کارکنان، کارگران و کسب‌وکارها، مراکز آموزشی و گروه‌هایی که در طرح از آنها یاد شده، از طرف دستگاه‌های مسئول، ابلاغ‌های لازم انجام گیرد. حسن روحانی با اشاره به اینکه برای مهار موج سوم ویروس کرونا که با توجه به افزایش قدرت شیوع و بیماری‌زایی آن، بسیار سنگین‌تر از قبل است، همگان باید مقررات و دستورالعمل‌های مقابله با کرونا را به‌عنوان وظیفه‌ای شرعی و اجتماعی رعایت کنند، افزود: پیروزی بر کرونا نیازمند کارزاری مبتنی بر «همبستگی» میان حاکمیت، همبستگی در میان نهادهای مدنی داوطلب و نهایتا همبستگی مابین شهروندان و حاکمیت است. او با بیان اینکه بسیج همگانی باید به آمادگی ملی برای مبارزه با بیماری بینجامد، افزود: نیازمند ایجاد «آمادگی ملی» برای مبارزه با بیماری هستیم و نباید اجازه داد که رقابت‌های سیاسی، «احساس رهاشدگی» در شهروندان را تقویت کند. روحانی با اشاره به اینکه در برابر کرونا یا همه بازنده‌ایم یا همه پیروز و دولت به دنبال پیروزی ملی و سلامتی برای همه است، عنوان کرد: بی‌تردید در تحریم و فشار حداکثری، هر تصمیمی برای مهار بیماری به «تصمیم سخت» بدل می‌شود؛ اما اولویت نخست در انتخاب‌های سخت و تعیین سیاست‌های بهینه، «جان عزیز» هر ایرانی است. رئیس‌جمهور با تأکید مجدد به همه سیاسیون، رسانه‌ها و صاحبان تریبون‌ها برای اینکه عرصه مقابله با کرونا و حفظ سلامت مردم را به میدان کشمکش‌های سیاسی تبدیل نکنند، گفت: دولت و ستاد ملی مبارزه با کرونا طی ۹ ماه گذشته، فارغ از جریان‌سازی‌های سیاسی و حاشیه‌پردازی‌های رسانه‌ای، به طور هماهنگ و منسجم در مسیر خدمت به سلامت مردم کار خود را انجام داده و هیچ‌گاه اجازه نداده‌اند این کشمکش‌ها و حاشیه‌پردازی‌ها مسیر خدمت را مختل کند.

جهانگیری:

بودجه، چوب ادب سیاست‌مدارانی است که تنها شعار می‌دهند

● **پایگاه اطلاع‌رسانی معاون‌اول رئیس‌جمهور:** معاون‌اول رئیس‌جمهور در جلسه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی با اشاره به اهمیت بودجه سال ۱۴۰۰ کشور، گفت: «بودجه سال آینده کشور و جهت‌گیری‌های اصلی آن باید با محوریت سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تدوین شود».

اسحاق جهانگیری با تأکید بر اینکه همه می‌دانند که زبان مدیران دولت برای پاسخ‌گویی زبان الکن نیست، افزود: «ما شرایط کشور و مردم را در موضع‌گیری‌های خود لحاظ می‌کنیم و می‌دانیم که مردم در شرایط سخت کنونی از مسئولان خود انتظار دارند که به فکر زندگی و معیشت آنان باشند نه اینکه سرگرم دعوا و مجادله با یکدیگر شوند، چراکه این مسئله گرهی از زندگی آنان باز نمی‌کند».

معاون‌اول رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه با کلی‌گویی و شعار در کشور اتفاقی رخ نمی‌دهد، عنوان کرد: «در دوسال‌و نیم پایانی دولت گذشته میزان اشتغال خالص کشور روند کاهنده داشت و تقریبا صفر بود درحالی‌که در مقایسه با دوسال‌و نیم ابتدایی آغازبه‌کار دولت تدبیر و امید سالانه ۵۰۰ هزار شغل ایجاد شد و همچنین نرخ تورم در دولت گذشته رو به بالا بود و به ۳۶ درصد رسید درحالی‌که تورم در دولت آقای روحانی روند کاهنده داشت و به ۱۱٫۲ کاهش یافت».

جهانگیری افزود: «این دستاوردها در شرایطی اتفاق افتاد که فقط مدیریت دولت جابه‌جا شد. کسانی که می‌گویند مدیران دولت دچار ضعف هستند خوب است این دو مقطع زمانی که شرایط کشور از لحاظ تحریم‌های بین‌المللی یکسان بوده است را مقایسه کنند و ببینند چه اتفاقاتی در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور رخ داد».

او گفت: «تجربه من به‌عنوان فردی که هم در دولت و هم در مجلس فعالیت کرده‌ام می‌گوید؛ بودجه چوب ادب سیاست‌مداران به‌ویژه سیاست‌مدارانی است که تنها شعار می‌دهند. منابع و مصارف در بودجه کشور موضوعی واقعی است و باید با آن منطقی برخورد کرد. نمی‌توان ذهنی و خیالی منابع کشور را افزایش دهیم. متأسفانه برخی مسائلی که درحال‌حاضر عنوان می‌شود با ۱۰ برابر بودجه کنونی نیز نمی‌توان به آن حرف‌ها جامه عمل پوشاند». او اظهار امیدواری کرد بودجه سال آینده، نقطه آغاز تفاهم و همکاری دولت و مجلس جدید باشد و اگر منابعی وجود داشته باشد که از چشم دولت دور مانده باشد و معرفی شود، قدردانی خواهیم کرد و منابع جدید را برای کمک به زندگی و معیشت مردم صرف خواهیم کرد.